

بررسی تاثیر روش تدریس حل مسئله بر عزت نفس و خلاقیت دانش آموزان متوسطه

زهرا شهامتی نژاد^۱

^۱ کارشناسی ارشد مهندسی کامپیوتر دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان

چکیده

عزت نفس نقشی اساسی در یادگیری و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان ایفا می کند. روش های مختلف تدریس می توانند بر عزت نفس دانش آموزان تأثیر بگذارند. خلاقیت نقشی کلیدی در موفقیت افراد در زندگی فردی و اجتماعی ایفا می کند. از این رو، پرورش خلاقیت در دانش آموزان دوره متوسطه اهمیت بسزایی دارد. یکی از روش های تدریس موثر در این خصوص روش تدریس حل مسئله است. روش تدریس حل مسئله، روشی فعال و دانش آموز محور است که در آن دانش آموزان با استفاده از دانش و مهارت های خود، به طور مستقل به حل مسائل می پردازند. لذا مقاله حاضر که از نوع مروری، کتابخانه ای است با مطالعه کتاب ها، مقاله ها و پایان نامه ها و... پیشین به هدف بررسی تاثیر روش تدریس حل مسئله بر عزت نفس و خلاقیت دانش آموزان متوسطه می پردازد. نتایج حاصله از این پژوهش بدین شرح است که استفاده از روش های تدریس نوین مانند حل مسئله می تواند تاثیر مثبتی بر بهبود عزت نفس و رشد خلاقیت دانش آموزان داشته باشد و توصیه می شود که معلمان و مربیان به کاربرد این روش ها در فرآیند آموزش توجه ویژه ای داشته باشند.

واژه های کلیدی: روش تدریس، حل مسئله، عزت نفس، دانش آموزان

مقدمه

آموزش و پرورش زیر بنای توسعه اجتماعی، سیاسی و فرهنگی هر جامعه ای است. بررسی عوامل موثر بر پیشرفت و ترقی جوامع پیشرفته نشان می دهد که همه این کشورها از آموزش و پرورش توانمند و کارآمد برخوردار بوده اند. در بسیاری از نظامهای آموزشی به دلیل گسترش و توسعه سریع مدارس و به کارگیری نیروهای اجرایی غیر متخصص و تربیت نشده، عاداتی نامطلوب بر فرایند تدریس حاکم شده است. مخصوصاً آن دسته از عادت های غلطی که جانشین همفکری، تعامل و مشارکت دانش آموزان در شده اند و هر گونه آزادی، اندیشه نقادی و نوآوری را از آنان گرفته اند و به جای استفاده از روش های جدید تدریس، بر اجرای روشهای سنتی پافشاری می کنند. بنابراین یکی از ضروری ترین تحولات در نظام های آموزشی، تحول در نگرش و روش تدریس معلمان و مدیران و اجرای نظام آموزشی است (شعبانی ۱۳۸۶). روشهای تدریس تعیین کننده ماهیت فعالیت معلم و شاگرد در رسیدن به هدفهای آموزشی هستند (کردنقابی، ۲۰۰۷). تدریس عبارت است از تعامل یا رفتار متقابل معلم و شاگرد بر اساس طرح منظم هدفدار معلم برای ایجاد تغییر رفتار در شاگرد (شعبانی، ۲۰۰۳) (درزی رامندی، یوسفی رامندی و درزی رامندی، ۱۳۹۸). روش حل مسئله یک راهبرد فراشناختی نوین در آموزش است که میتواند مهارت تصمیم گیری دانش آموزان را ارتقاء دهد. این روش نوعی یادگیری دانش آموز محور است که بر مواجه نمودن دانش آموزان با مشکلات متمرکز بوده و موجب ایجاد انگیزه و تحریک دانش آموزان برای یادگیری میشود. یادگیری بر پایه حل مسئله رویکردی آموزشی است که در طی آن دانش آموزان یاد میگیرند که چگونه یاد بگیرند و به صورت مشارکتی در گروه هایی که به دنبال راه حل هستند کار کنند (مت و ساری، ۲۰۰۸). شیوه حل مسئله به عنوان وسیله مفیدی برای مقابله با بسیاری از مشکلات موقعیتی و در نتیجه حفظ و ارتقاء انسجام شخصیتی فرد مورد توجه بوده است (کلاسینز، ۱۹۹۲). روش حل مسئله موجب افزایش یادگیری، فعال بودن، علاقه مندی و همکاری در جریان یادگیری میشود (احمدپور، ۱۹۹۸). به طور کلی حل مساله به فرایند شناختی رفتاری ابتکاری فرد اطلاق می شود که بوسیله آن فرد می خواهد راهبردهای موثر و سازگارانه مقابله برای مشکلات روزمره را تعیین، کشف یا ابداع کند. به عبارت دیگر حل مساله یک راهبرد مقابله ای مهمی است که توانایی و پیشرفت شخصی و اجتماعی را افزایش و تنیدگی و نشانه شناسی روانی را کاهش دهد (رضازاده، ۱۳۸۹). خلاقیت یکی از مبهم ترین و مغشوش ترین اصطلاحات در روانشناسی و تعلیم و تربیت امروز است. این ابهام به دلیل انتزاعی بودن این مفهوم است و به معنی پیچیدگی جریان خلاقیت نیست؛ چراکه خلاقیت را میتوان به راحتی در زندگی روزانه حس کرد و آن را لمس نمود (آقایی، ۲۰۰۶). خلاقیت انجام دادن کاری نو است که از سوی گروهها یا افرادی مورد توجه قرار می گیرد یا آنکه برای برآوردن نیازی استفاده می شود (آقازاده، ۲۰۰۹). لیندا نیمن، خلاقیت را ایده ها و عقایدی جدید میداند که عملی شود از نظر وی عقاید و ایده های جدیدی که به واقعیت نپیوندند خیال پردازی بیش نیست خلاقیت فرایند ایجاد چیزی جدید است که مستلزم اشتیاق و تعهد باشد وی خلاقیت را متأثر از افسانه ها و سمبلها میداند (نیمن، ۲۰۰۷). از دیگر مواردی که روش تدریس حل مسئله میتواند بر بهبود آن موثر باشد، عزت نفس دانش آموزان است. عزت نفس ارزشیابی مداوم شخص نسبت به ارزشمندی خویشتن خود است (حیدرنیا، ۱۳۸۴). عزت نفس یعنی فهمیدن ارزش و اهمیت خود، پذیرش خود و اعتماد به تواناییهای خود. وقتی شما خود را دوست داشته باشید یا مهمتر از آن اگر خود را دقیقاً همانطور که هستید بپذیرید، قبول داشته باشید. ورزش بگذارید دارای عزت نفس خواهید بود (ورناصری، ۱۳۷۴). فردی که عزت نفس بالا دارد اغلب به سختی جهت ارتقاء و بهبود نقاط ضعف خود می کوشد اما چنانکه بعضی اوقات در این باره شکست میخورد خود را به عنوان یک انسان می بخشد و از خود انتقاد نمی کند. فردی که عزت نفس ضعیفی دارد در واقع نکات مثبت خود را نمیشناسد و یا نمی بیند و هیچ چیزی را در خود با ارزش نمیداند بلکه دائماً از خود انتقاد کرده و نقاط ضعف و محدودیتهای خود را به زیر ذره بین گذاشته و بطور اغراق آمیزی فقط آنها را می بیند (طهماسبی، ۱۳۷۳). از آنجا که آموزش حل مساله به صورت گروهی انجام میشود عزت

نفس دانش آموزان بهبود می یابد. به این معنا که دانش آموزانی که مشکل عدم عزت نفس را دارند با جمع شدن در گروه مشابه مشکل شان از تجربیات یکدیگر برای مقابله با مشکلات و احساس ناخوشایند ناشی از مشکلات استفاده کرده و بهترین راه حل را برای حل مشکل پیدا می کنند. در نتیجه، این نوع آموزش موجب ارزیابی مثبت فرد نسبت به خود و ارزش نهادن به توانایی ها و شایستگیهای خود میشود (بوتوین و گریفین، ۲۰۰۴). در این مقاله، به بررسی تأثیر روش تدریس یادگیری مشارکتی بر عزت نفس و خلاقیت دانش آموزان مقطع متوسطه پرداخته می شود. امید است که نتایج این پژوهش بتواند گامی مؤثر در جهت بهبود روش های تدریس و ارتقای کیفیت آموزش و پرورش کشور بردارد.

بیان مسئله

در دنیای امروز، آموزش و پرورش نقشی حیاتی در تربیت نسل آینده ایفا می کند. یکی از اهداف کلیدی آموزش و پرورش، پرورش دانش آموزانی خلاق و با اعتماد به نفس است که بتوانند به طور مؤثری مشکلات را حل کنند. روش های تدریس مختلفی برای رسیدن به این هدف وجود دارد، اما تحقیقات نشان داده است که روش تدریس یادگیری حل مسئله می تواند تأثیر بسزایی بر عزت نفس و خلاقیت دانش آموزان داشته باشد. با توجه به اهمیت عزت نفس و خلاقیت در فرایند آموزشی و نقش کلیدی روش های تدریس در تقویت این دو مؤلفه، این پژوهش به بررسی تأثیر روش تدریس یادگیری حل مسئله بر عزت نفس و خلاقیت دانش آموزان می پردازد. نتایج این پژوهش می تواند به معلمان و برنامه ریزان آموزشی در انتخاب روش های تدریس مناسب برای ارتقای عزت نفس و خلاقیت دانش آموزان کمک کند و همچنین می تواند به مربیان و معلمان راهکارهایی مؤثر برای بهبود روش های تدریس ارائه داد و به دانش آموزان کمک کرد تا با اعتماد به نفس بیشتر و خلاقیت بالاتر در مسیر یادگیری و زندگی پیش بروند و نیز این نتایج می تواند برای سیاست گذاران آموزشی در تدوین برنامه های درسی و آموزشی مرتبط با پرورش دانش آموزان خلاق و با اعتماد به نفس مفید باشد.

اهمیت موضوع

امروزه اهمیت آموزش و پرورش در توسعه فردی و اجتماعی دانش آموزان بر کسی پوشیده نیست. روش های تدریس سنتی که بر حفظ مطالب درسی و امتحان محوری متمرکز هستند، دیگر برای رسیدن به هدف پرورش دانش آموزانی خلاق و با عزت نفس بالا که بتوانند به طور مستقل فکر کنند، مشکلات را حل کنند و در جامعه مشارکت فعال داشته باشند، کافی نیستند. تحقیقات نشان داده اند که روش های تدریس فعال مانند یادگیری حل مسئله، می توانند تأثیر بسزایی بر عزت نفس و خلاقیت دانش آموزان داشته باشند. یکی از رویکردهای مهم در آموزش، روش تدریس یادگیری حل مسئله است که تأکید ویژه ای بر توانایی دانش آموزان در شناسایی، تحلیل و حل مسائل مختلف دارد. این روش به دانش آموزان کمک می کند تا به صورت فعال و خودجوش در فرایند یادگیری شرکت کنند و مهارت های عملی و فکری خود را تقویت کنند. در مقابل، عزت نفس و خلاقیت دو مؤلفه اساسی در رشد شخصیتی و تحصیلی دانش آموزان هستند. عزت نفس به معنای باور به توانایی ها و ارزشمندی خود است که تأثیر زیادی بر موفقیت تحصیلی، روابط اجتماعی و سلامت روانی دانش آموزان دارد. خلاقیت نیز به توانایی تولید ایده ها و راه حل های نو و منحصر به فرد اشاره دارد که در حل مسائل و نوآوری های علمی و فنی بسیار مؤثر است. با توجه به دلایل فوق، می توان گفت که موضوع تأثیر روش تدریس یادگیری حل مسئله بر عزت نفس و خلاقیت دانش آموزان، موضوعی بسیار مهم و با ابعاد مختلف است. تحقیقات بیشتر در این زمینه می تواند به معلمان و برنامه ریزان آموزشی در انتخاب روش های

تدریس مناسب و ارتقای کیفیت آموزش و پرورش کمک کند و همچنین این موضوع از نظر اولیا دانش آموزان نیز اهمیت دارد. اولیا می توانند با آگاهی از فواید روش تدریس یادگیری حل مسئله، از مدارس و معلمان خود انتظار داشته باشند که از این روش در تدریس استفاده کنند.

روش تحقیق

روش تحقیق حاضر، با توجه به نظری بودن این پژوهش، بر طبق استانداردها، که بر پایه‌ی مطالعات کتابخانه ای انجام شده و از روش های استدلال و تحلیل منطقی استفاده می گردد، از لحاظ هدف از نوع تحقیقات کاربردی و از نظر روش تحقیق، کیفی فراتحلیل می باشد که اسناد و مدارک را به صورت کتابخانه ای بررسی کرده و از ۳۳ سند بررسی شده ۲۶ سند را در این مقاله بکار بردیم؛ بدین صورت که به تشریح و توضیح مفاهیم اولیه و نظرات موجود پرداخته و با دسته بندی آرا و استدلال ها به تبیین آن ها می پردازیم و با مقایسه بین آن ها، بررسی و نقد و نتیجه گیری صورت می گیرد.

پیشینه تحقیق

(نوروزوند و شفیعی، ۱۳۹۹) در مقاله ای با عنوان تاثیر روش تدریس حل مسئله بر یادگیری دانش آموزان بیان داشتند که دانش آموزان در روش حل مساله دارای انگیزه بالاتری برای یادگیری هستند، به دلیل درگیر بودن با مطالب درسی علاقه آنها نسبت به موضوعات زیاد است و توجه معلم نسبت به دانش آموزان بیشتر می شود، در نتیجه دانش آموزان احساس ارزشمندی میکنند که این امر در یادگیری هرچه بیشتر به آنان کمک میکند. علیرغم فواید گوناگون این روشها با عوامل محدود کننده ای نظیر زمان محدود کلاس، حجم کتاب تعداد شاگردان و امکانات محدود هستند که مانع اجرای این روشهای گردد با این حال این الگوهای فعال برای تحقق یافتن بسیاری از آرزوهای تعلیم و تربیت برای پرورش همه جانبه دانش آموزان چه در مطالعات تطبیقی و چه به طریق آزمایشی آزموده و تایید شده است.

(درزی رامندی، یوسفی رامندی و درزی رامندی، ۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان تاثیر روش تدریس حل مسئله بر افزایش خلاقیت بیان داشتند که بین انعطاف پذیری دانش آموزان که به روش تدریس حل مسئله آموزش میبندند نسبت به دانش آموزانی که با روش سنتی آموزش میبندند، تفاوت معنی داری وجود دارد. بنابراین روش تدریس حل مسئله بر افزایش انعطاف پذیری از مؤلفه های (خلاقیت دانش آموزان پسر) سال پنجم ابتدایی نسبت به روشهای سنتی تاثیر بیشتری دارد. انعطاف پذیری پذیری توانایی تفکر به راه های مختلف برای حل یک مسئله جدید است دانش آموزان در روشهای سنتی به حفظ مطالب و یادگیری کلیشه ای مشغول هستند و قابلیت انعطاف پذیری و ارائه پاسخ به شکل و راهی دیگر را ندارند؛ اما در حل مسئله به شکل آزادانه و بدون ترس به تمرین تفکر و پاسخ دهی به مسائل جدید از راه های گوناگون می پردازند، لذا این روش باعث افزایش انعطاف پذیری دانش آموزان میشود.

(حسینی، ۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان تاثیر روش تدریس حل مسئله بر انگیزه ی پیشرفت تحصیلی و عزت نفس دانش آموزان سال سوم متوسطه بیان کرد، حل مسأله به صورت فعالیتهای گروهی موجب پرورش تفکر انتقادی، توانایی اظهار نظر و توان انتقاد پذیری، قدرت بیان و استدلال، قدرت تجزیه و تحلیل و تصمیم گیری، آشنایی با روش کسب اطلاعات و حل مسأله به صورت مشارکتی در رابطه اجتماعی خواهد شد. در روش حل مسأله مهارتهایی همچون مقایسه، گردآوری و سازماندهی

اطلاعات تشخیص و تعیین و کنترل متغیرها، تدوین و آزمون فرضیه ها، تعدیل استنباط، ارزیابی و قضاوت تقویت می گردد. محصول فرایند حل مسأله به صورت کار گروهی می باشند رو به رو کردن دانش آموزان با یک مسأله باعث دادن فرصت به آنها برای خطا کردن به کار بردن دانش خود و لذت بردن از هیجان در کشف کردن می شود به آن ها فرصت داده می شود تا در موضوع های گوناگون تصمیم گیری کنند. اگر نظام آموزشی توانایی حل مسأله را به دانش آموزان یاد بدهد به یقین به اهداف خود دست خواهد یافت زیرا هر چه قدرت تصمیم گیری و گزینش راه حل مطلوب در فراگیران افزایش یابد نیازهای روزمره ی خود را بهتر رفع میکنند و موفق تر خواهند بود.

تحقیق دیگری توسط (پیتما و همکاران، ۲۰۰۹) انجام گرفت؛ آنها عوامل مؤثر بر توانایی حل مسئله را مورد بررسی قرار دادند؛ نتایج حاکی از آن بود که رفتار معلمان به طور مستقیم و غیر مستقیم میتواند یکی از عوامل مؤثر بر توانایی دانش آموزان در حل مسئله باشد.

(روسیل، ۲۰۱۲) در تحقیقی تحت عنوان بررسی رابطه میان عزت نفس و انگیزه پیشرفت انجام نتایج مشخص شد که میان عزت نفس و انگیزه پیشرفت با رابطه وجود دارد.

حل مسئله

الگوی حل مسأله در آموزش بر مبنای ایده های (جان دیوئی، ۱۹۸۳-۱۹۱۶) شکل گرفته اند. در میان تمامی کمک های او به آموزش و پرورش، طرفداری او از برنامه تحصیلی بر مبنای مسائل اهمیت خاصی دارد. از نظر او مسأله عبارت از هر موردی است که باعث ایجاد شک و تردید میشود. دیوئی می گوید: مسأله ای که بتواند به عنوان یک موضوع مورد مطالعه ارزشمند باشد. باید دو معیار دقیق و جدی را در برمی گیرد. اول آن مسأله باید فرهنگ مهم باشد و دوم باید برای دانش آموزان نیز مهم بوده و به او مربوط باشد (نظامیان پور، ۱۳۸۵). برای ساختن مهارت این فن شبیه به روشهای جستجو، به برنامه ریزی دقیق و نظام دار نیاز است. اشاره ضمنی حل مسأله بر مفهوم تجربه با این ایده دور می زند که فعالیتهای دانش آموزان در تحت هدایت مدرسه باعث می شود تا برخی نشانه های ویژه یا رفتارهایی پدید آید که دانش آموزان قادر سازد در فرهنگ ما کارکرد بهتری داشته باشد. علاوه بر این، تجربیات پدید آمده توسط مدرسه باید محتوا و فرایند دانش را به وضوح مشخص سازند. هم دانستن اینکه چه چیزی دانسته شده و هم ندانستن اینکه که چگونه بدانیم هدف های مهم برای یادگیرنده محسوب می شوند (نظامیان پور، ۱۳۸۵) (حسینی، ۱۳۹۵).

الگوی حل مسأله

بنا به گفته (کیلیا تریک، ۱۹۸۱؛ به نقل نظامیان پور، ۱۳۸۵) یادگیری در آموزشگاه باید هدفمند باشد نه انتزاعی و یادگیری هدفمند از راه واداشتن دانش آموزان به انجام پروژه مورد علاقه و انتخاب خودشان بهتر امکان پذیر است. در این روش فراگیران ضمن استفاده از دانسته های قبلی خود درصدد رفع مشکل بوجود آمده و رسیدن به بهترین راهبرای حل آن تلاش می کنند (زارعی و مرندی، ۱۳۹۰). حل مسأله جزئی از زندگی هر فرد به حساب می آید و نظامهای آموزشی باید فراگیران را برای مواجهه بازندگی درآینده آماده کند (نوروزوند و شفيعی، ۱۳۹۹). در فرایند حل مسأله، ابتدا باید مسأله شناسایی شود. وقتی یادگیرنده با موقعیتی روبرو می شود که میتواند با استفاده از اطلاعات و مهارتهای که در آن لحظه در اختیار دارد به آن

موقعیت سریعاً پاسخ درست بدهد یا وقتی که یاد گیرنده هدفی دارد و هنوز راه رسیدن به آن را نیافته است، می گوئیم با یک مسئله روبه رو است. مسئله به موقعیتی گفته میشود که فرد با استفاده از مهارتها و اطلاعات موجود خود بتواند آن را حل کند و حل مساله عبارت است از تشخیص و کاربرد روش ها و مهارت ها برای رسیدن به هدف که منجر به پاسخ درست میشود (سیف، ۲۰۰۰). بنابراین، عنصر اصلی حل مساله به کار بستن دانشها و مهارتهای قبلاً آموخته شده در موقعیت های تازه است به همین دلیل است که در طبقه بندی یادگیری بلوم، حل مساله در طبقه بکار بستن آمده است (بلوم و همکاران). در حل مساله یادگیری های قبلی فرد، به ویژه اصولی که در ترکیب آنها مساله به وجود می آید، باید به طریقی تازه با هم ترکیب شوند. به سخن دیگری حل مساله صرفاً داشتن اطلاعات یا مفاهیم و اصول و در کنار هم قرار دادن آنها نیست، بلکه یادگیرنده باید راه های تازه ترکیب دانشهای قبلی بویژه قواعد یا اصول از قبل آموخته شده را که به حل مساله منجر میشوند، کشف کند. فرد ممکن است قضایایی را در حافظه فعالش خلق کند و آنها را بر روی کاغذ یا تخته گچی بنویسد. سپس دانش فعال شده در موقعیتهای جدید بکار گرفته میشود و به منظور بررسی میزان موفقیت حل مساله، عمل ارزشیابی صورت می گیرد. یا ممکن است پس از طرح مساله و بکار انداختن دانشی که با آن مرتبط است، متوجه شویم که آن دانش چندان کاربردی در حل مساله ندارد. ممکن است مساله به گونه ای دیگر معرفی شود و دانشهای مرتبط با مساله بکار انداخته شود، این فعل و انفعالات تا حل مساله ادامه پیدا می کند (کوبرن، ۱۹۹۴).

محاسن و محدودیت های الگوی حل مساله

در این شیوه، فراگیران دارای انگیزه درونی هستند تفکرات نقادانه در آنان رشد می کند نگرش مناسب برای حل مسائل در آینده در آنها ایجاد می کند تمام جنبه های روانی اجتماعی و کل شخصیت فراگیران مورد توجه قرار میگیرد و نه تنها سبب افزایش درک علم و روحیه پرسشگری در آنان می شود.

در مورد محدودیتهای میتوان گفت که این الگو به معلمان قوی و باتجربه و پژوهشگر نیاز دارد امکانات فراوانی را می طلبد و مشکلاتی مثل تثبیت، گرایش ذهنی و فقدان انگیزه و مداومت نیز میتواند جزموانع باشد (زارعی و مرندي، ۱۳۹۰) (نوروزوند و شفیعی، ۱۳۹۹).

عزت نفس

اهمیت عزت نفس مکرراً توسط افرادی که با کودکان سروکار دارند خاطرنشان شده است. امکان ندارد فردی با کودکان کار کند ولی با احساسی که آنان نسبت به خودشان دارند برخورد نداشته باشد. اخیراً عزت نفس موضوع بسیار پراهمیتی برای معلمان، والدین، مشاورین شده است و سیستم های آموزشی نیز در این کار شراکت می کنند (حسینی، ۱۳۹۵). عزت نفس یک ارزیابی است. ارزیابی از خصوصیات خود که منجر به احساس کودک نسبت به خود و خصوصیاتش می گردد. اگر کودکی از خصوصیات خود ارزیابی منفی داشته باشد و به آنها ارزشی نگذارد می گوئیم وی دارای عدم عزت نفس یا عزت نفس ضعیف است اما زمانی که کودک ارزیابی مثبت نسبت به خود و خصوصیات خود داشته باشد می گوئیم وی دارای عزت نفس مثبت یا عزت نفس بالا می باشد (موسوی، ۱۳۸۴). درواقع عزت نفس یعنی دیدن خود به عنوان یک فرد توانا، باکفایت، دوست داشتنی، منحصر به فرد و با ارزش. توانا به این معنی است که من میدانم کارهایی را می توانم انجام دهم باکفایت یعنی من کارهایم را به اندازه کافی خوب انجام میدهم. بسیاری از کودکان متاسفانه فکر میکنند تنها زمانی با کفایت هستند و کارشان

بالرزش است که آنرا به صورت کاملاً ایده آل و کامل انجام دهند و در غیر این صورت بی کفایت هستند این. فکر در آنان اضطراب کمال گرایی ایجاد می کند (موسوی، ۱۳۸۴). کودکانی که عزت نفس بیشتری دارند، افرادی هستند که احساس ارزشمندی، استقلال و خلاقیت کرده و به آسانی تحت تأثیر و نفوذ عوامل محیط واقع نمی شوند؛ بنابراین بی احترامی و بی توجهی، اعتماد به نفس را میکاهد و سلامت روانی را به خطر می اندازد (اسلامی نسب، ۱۳۷۳) (سعید و قاسمی، ۱۴۰۱). داشتن عزت نفس برای یک زندگی موفقیت آمیز لازم است بنابراین باید به تقویت آن در بین دانش آموزان پرداخت. از آنجا که عزت نفس کودک زمینه و اساس ادراکات وی از تجارب زندگی را مهیا نماید امری ارزشمند محسوب میگردد شایستگی عاطفی - اجتماعی که از چنین شناخت مثبت از خود ناشی میشود میتواند به عنوان نیرویی در مقابل مشکلات جدی آینده به کودک کمک کند. عزت نفس جنبه مهمی از عملکرد و کشش کلی کودک است و به نظر می رسد به صورت تعاملی با زمینه های دیگری از جمله سلامت روانی و عملکرد تحصیلی ارتباط دارد به این معنی که عزت نفس میتواند علت و هم معلول نوعی از عملکرد باشد که در سایر حوزه ها رخ میدهد (پ و همکاران، ۱۹۸۸).

خلاقیت

تفکر خلاق نوعی از تفکر است که در آن ذهن به طوری عمیق با یک مسئله درگیر میشود؛ به تجسم و واضح سازی آن میپردازد و به منظور تنظیم کردن نتیجه تفکر یا دریافت مفاهیم جدید، مبادرت به جرح و تعدیل آن میکند. آنچه تفکر خلاق را از تفکر عادی جدا میکند، مربوط به اصالت و تازگی نظر یا فرضیه ای است که فرد مبتکر عرضه میدارد. در تفکر عادی، فرد معمولاً از تجربیات قبلی خود استفاده میکند؛ آنها را در زمینه و طرح جدیدی قرار میدهد و با تغییر شکل و سازمان آنها در حل مسائل، از آنها استفاده میکند. در تفکر خلاق راه های غیرعادی و معمولی، نظر فرد را به خود جلب میکند. معمولاً افرادی که در رشته های مختلف دانش بشری، مسئله تازه ای طرح میکنند و فکر و اندیشه تازه ای به وجود می آورند یا طریق جدیدی برای حل مسئله آن رشته ارائه میکنند خلاق محسوب میشوند (خانیا، ۱۳۸۴).

ماهیت و تعریف خلاقیت

(ویلسون، ۱۹۵۶ و کراچفیلد، ۱۹۶۲) در تعریف خلاقیت بیان داشته اند، خلاقیت یک فرآیند ذهنی است که مرکب از قدرت ابتکار و انعطاف پذیری در برابر موقعیت های مختلف میباشد. خلاقیت را همچنین به وجود آوردن تلفیقی از اندیشه ها و رهیافت های افراد و یا گروه ها در یک روش جدید تعریف کرده اند (غلام پور، ۱۳۷۹). برخی از محققان نیز خلاقیت را نقطه مقابل همنوایی میدانند و به نظر آنها خلاقیت یعنی عقاید اصیل، نظریات متفاوت و نحوه متفاوت نگریستن به مسائل. فرانکوئیس معتقد است همانگونه که هوش خیلی پایین همان کودنی است، خلاقیت خیلی پایین نیز همان معمولی بودن است (باباپور، ۱۳۷۸). آی.آر. تابلور سطوح خلاقیت را پنج سطح میداند همچون سطح خلاقیت بیانی، خلاقیت بارآور (تولیدات هنرمندان و دانشمندان)، خلاقیت ابداعی (ایجاد تغییراتی که منجر به پیشرفت میشوند)، خلاقیت اختراعی (آشکار شدن هوش و ذکاوت در رویکردها و فنون جدید) و درنهایت خلاقیت ظهوری (شروع حرکات تازه و بدیع در کنار اصول جدید) (باباپور، ۱۳۷۸).

اهمیت خلاقیت در آموزش

نظامی که امروزه بیش از سایر نظامها در زمینه پرورش خلاقیت و نوآوری مسئولیت دارد آموزش و پرورش است. این نظام باید به پرورش افرادی با اندیشه خلاق بپردازد که توانایی حل مسئله و گره گشایی از معضلات را داشته باشند نه انباشت دانش و اطلاعاتی که به سرعت منسوخ میشوند (باباپور واجاری و خوارزمی رحیم آبادی، ۱۳۹۴). خلاقیت ویژگی ضروری زندگی در قرن بیست و یکم است؛ چراکه جهان پیوسته در حال تغییر است. تفکر خلاق راهی است به سوی فراتر رفتن از کارهایی که در گذشته انجام شده است و رسیدن به دستاوردها، راه حل ها و ایده هایی برای حال و آینده قدرت تفکر خلاق و آفرینندگی فرد را قادر می سازد که انتخاب های گوناگون را کشف کند و در نتیجه از بن بست هایی که در زندگی با آن مواجه میشود خارج شود (پورسلیم و همکاران، ۱۳۹۳). عقیده بر آن است که همیشه درجاتی از خلاقیت وجود دارد. در قرن اطلاعات خلاقیت به عنوان یک استعداد اساسی ارزش گذاری میشود به طوری که به نقش آموزش سنتی در کاهش رقابت خلاق اشاره شده است. همزمان روشهای آموزشی از نظر عدم کفایت در پرورش دانش آموزانی که بتوانند نوآوری کنند به شدت مورد انتقاد قرار گرفته اند. در جهت برآورد کردن نیازهای آموزشی امروزی پرورش خلاقیت به عنوان یکی از موضوعات محوری آموزش مورد بحث قرار گرفته است (تان، ۲۰۰۱) (ناصری مقدم، ۱۳۹۷).

نتیجه گیری

پژوهش های متعدد نشان داده اند که روش تدریس حل مسئله می تواند تاثیر مثبتی بر عزت نفس و خلاقیت دانش آموزان متوسطه داشته باشد. در این روش، دانش آموزان با چالش های واقعی روبرو شده و برای حل آنها به طور فعالانه تلاش می کنند. این امر به آنها کمک می کند تا اعتماد به نفس خود را در حل مشکلات افزایش داده و مهارت های تفکر خلاق خود را پرورش دهند. تاثیری که بر عزت نفس دارد من جمله اینکه حل مسئله به دانش آموزان کمک می کند تا احساس موفقیت و کارآمدی کنند همچنین این امر می تواند منجر به افزایش عزت نفس و اعتماد به نفس آنها شود و نیز دانش آموزانی که در حل مسئله مهارت دارند، بیشتر در کلاس درس مشارکت می کنند و از اشتباه کردن نمی ترسند. و من جمله تاثیراتی که بر خلاقیت دارد این است که حل مسئله به دانش آموزان کمک می کند تا به طور خلاقانه فکر کنند و راه حل های جدید برای مشکلات پیدا کنند و همچنین این امر می تواند منجر به افزایش نوآوری و ابتکار عمل آنها شود و نیز دانش آموزانی که در حل مسئله مهارت دارند، بیشتر درگیر یادگیری می شوند و از چالش ها لذت می برند. برای استفاده موثر از روش تدریس حل مسئله، معلمان باید به دانش آموزان فرصت کافی برای کاوش، آزمایش و یافتن راه حل های خود بدهند. آنها همچنین باید از تشویق و حمایت دانش آموزان در تلاش هایشان خودداری نکنند و نیز ایجاد فضایی امن و حمایتی در کلاس درس که در آن دانش آموزان از اشتباه کردن نترسند، بسیار مهم است. با استفاده از روش های تدریس مناسب، می توانیم به دانش آموزان کمک کنیم تا به پتانسیل کامل خود در زمینه عزت نفس و خلاقیت دست پیدا کنند.

منابع

- اسلامی نسب، علی (۱۳۷۳). روان شناسی اعتماد به نفس مبتنی بر مکاتب اسلامی و غربی. تهران: مهرداد.
- باباپور واجاری، مریم و خوارزمی رحیم آبادی، رحمت الله (۱۳۹۴). دبستان؛ ظهور یا افول خلاقیت؟ دومین کنفرانس ملی نگاه نو به تحول و نوآوری در آموزش. شیراز دی ماه. موسسه خوارزمی.
- باباپورخیرالدین، جلیل (۱۳۷۸). خلاقیت، توصیف؛ محدودیتها و روشهای ایجاد خلاقیت. پیوند (۲۴۱)، ۱۱۳_۱۰۵.
- پورسلیم، عباس، زمانی، الهام، منافی شرفآباد، کاظم (۱۳۹۳). تأثیر یادگیری مشارکتی در تفکر خلاق دانش آموزان پسر پایه پنجم ابتدایی شهرستان کوهدشت. در درس علوم تجربی. تفکر و کودک، ۵(۹)، ۱۹_۱.
- حسینی، سیدمحمد مهدی (۱۳۹۵). تأثیر روش تدریس حل مسئله بر انگیزه‌ی پیشرفت تحصیلی و عزت نفس دانش آموزان سال سوم متوسطه. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.
- حسینی، سیدمحمد مهدی (۱۳۹۵). تأثیر روش تدریس حل مسئله بر انگیزه‌ی پیشرفت تحصیلی و عزت نفس دانش آموزان سال سوم متوسطه. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.
- خانپان، محمد ربیع (۱۳۸۴). خلاقیت و نوآوری در سازمان آموزشی. تهران: انتشارات رسانه تخصصی.
- درزی رامندی، هادی؛ یوسفی رامندی، فاطمه و درزی رامندی، محمد (۱۳۹۸). تأثیر روش تدریس حل مسئله بر افزایش خلاقیت. پژوهش در برنامه ریزی درسی، سال شانزدهم، دوره دوم، شماره ۳۶، ص ۱۷۲_۱۶۳.
- زارعی، حیدرعلی و مرندی، احمد (۱۳۹۰). ارتباط راهبرهای یادگیری و سبک های حل مسئله با پیشرفت تحصیلی. نوآوری های مدیریت آموزشی، اندیشه های تازه در علوم تربیتی، دوره ۶، شماره ۳.
- سعید، زهرا و قاسمی، فرشاد (۱۴۰۱). نقش اجتماعی معلم در ارتقا سطح اعتماد به نفس و عزت نفس دانش آموزان. کنفرانس بین المللی روانشناسی، علوم تربیتی و سبک زندگی.
- غلام پور، عباس (۱۳۷۹). خلاقیت و نوآوری در سازمانهای آموزشی. فصلنامه مدیریت در آموزش و پرورش، ۷، ۱۵_۲.
- ناصری مقدم، شکوفه (۱۳۹۷). بررسی تأثیر روش یادگیری معکوس بر عملکرد تحصیلی و خلاقیت دانش آموزان دوره ابتدایی شهر تایباد. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تایباد، دانشکده علوم انسانی، گروه علوم تربیتی.
- نظامیان پور، طاهره (۱۳۸۵). تأثیر روش حل مسئله در پرورش تفکر انتقادی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دختر پایه چهارم شهر بوشهر. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.
- نوروزوند، حامد و شفیعی، صابر (۱۳۹۹). تأثیر روش تدریس حل مسئله بر یادگیری دانش آموزان. مجله پیشرفت های نوین در روانشناسی، علوم تربیتی و آموزش و پرورش، سال سوم، شماره ۲۴.
- Aghaei Samad, (2006), Creativity, The Essence of Entrepreneurship, Tehran, Tehran University Publication.

- Ahmadpour F. The effect of using problem- based learning of high school students learning in psychology courses. [MSc thesis]. Allameh Tabatabaei University. 1998. [Persian]
- Aqazadeh M, (2009), Trail Guide To Teaching, On Brain-Based Research, Constructionism, Cooperative Learning, Metacognition, Fifth Edition, Tehran, Ayiizh Publication.
- Botvin, G. J., & Griffin, K. W. (2004). Life skills training: empirical findings and future directions. *The Journal of Primary Prevention*, 25(2), 211–232.
- Kordnoghi R, (2007), Direct instruction with Theories, Models and Teaching Strategies, Tehran, Didar Publication.
- Mete S, Sari HY. Nursing students' expectations from tutors in PBL and effects of tutors' behaviour on nursing students. *Nurse* -42.
- Niman L, (2007), Whats Creativity, [www. creativity at work.com](http://www.creativityatwork.com).
- Pimta, S. , Tayruakham, S. & Nuangchalerm, P.(2009). Factors Influencing Mathematic Problem-Solving Ability of Sixth Grade Students. *Journal of Social Sciences*.
- RosilR, Othman H, Ishak I, Lubis SH, Saat NZM, OmarB. Self (2012). esteem and academic performance relationship amongst the second year undergraduate students Of university Kebangsaan Malaysia, KualaLumpur Campus. *Procedia Soc Behav Sci*.
- Shabani H, (2003),Instructional Skills, Samt Publication Klaassens E. Strategies to enhance problem -31.
- Tan, A. G. (2001). Singaporean teachers' perception of activities useful for fostering creativity. *The Journal of Creative Behavior*, 35(2), 131-148.